

درسی دهم

هنرمند





هنرمند

دیشب من سرگرم نقاشی کردن بودم که پدرم گفت: «من دوست دارم فرزندم هنرمند باشد؛
یک هنرمند خوب»
من با خوش حالی گفتم: «پس من برای اینکه هنرمند باشم، سعی می کنم نقاشی کردن را خیلی
خوب یاد بگیرم»



پدر گفت: «دخترم، هرکاری که با دقت و فکر انجام
شود، هنر است؛ مثلاً اگر تو بتوانی سفالگر بشوی و با
کل چیزهای زیبا بسازی، هنرمند هستی.
قالی بافی هم هنر است. عکاسی هم هنر است؛
پس برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید
هنرمند باشی.



فرزندم، هنرمند باید خوب فکر کند. با دقت به همه
چیز نگاه کند و صبر و حوصله داشته باشد تا در کارهایش
موفق شود.»



درست، نادرست



۱. سفالگر با گل چیزهای زیبا می‌سازد.
۲. هر کاری که با دقت و فکر انجام شود هنر است.
۳. پدرم گفت: «فقط نقاش‌ها هنرمندند.»
۴.

درست، نادرست



۱. سفالگر با گل چیزهای زیبا می‌سازد. 
۲. هر کاری که با دقت و فکر انجام شود هنر است. 
۳. پدرم گفت: «فقط نقاش‌ها هنرمندند.» 
۴. هنرمند باید در کارهایش عجله کند. 

گوش کن و بگو



۱. به چه کسی هنرمند می گویند؟
۲. یک هنرمند چگونه در کارش موفق می شود؟
۳. کدام یک از هنرها را بیشتر دوست داری؟ چرا؟
۴.



گوش کن و بگو

۱. به چه کسی هنرمند می گویند؟
۲. یک هنرمند چگونه در کارش موفق می شود؟
۳. کدام یک از هنرها را بیشتر دوست داری؟ چرا؟
۴. تعدادی از هنرهایی که می شناسی را نام ببر؟

۱. کسی که کارها را خوب و با دقت انجام دهد.

۲. خوب فکر کند، با دقت به همه چیز نگاه کند و صبر و حوصله داشته باشد تا در کارهایش موفق شود.

عکاسی-نقاشی-مجسمه سازی



واژه سازی



عکاسی

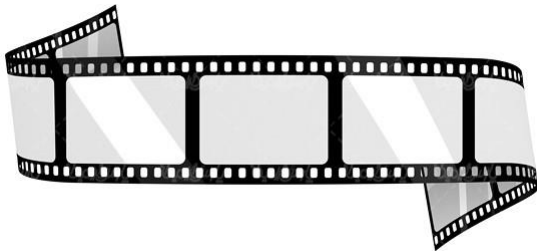
دوربین



پایه دوربین



فیلم دوربین



بوم نقاشی



رنگ



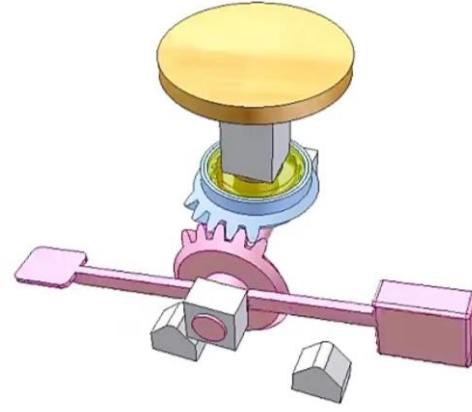
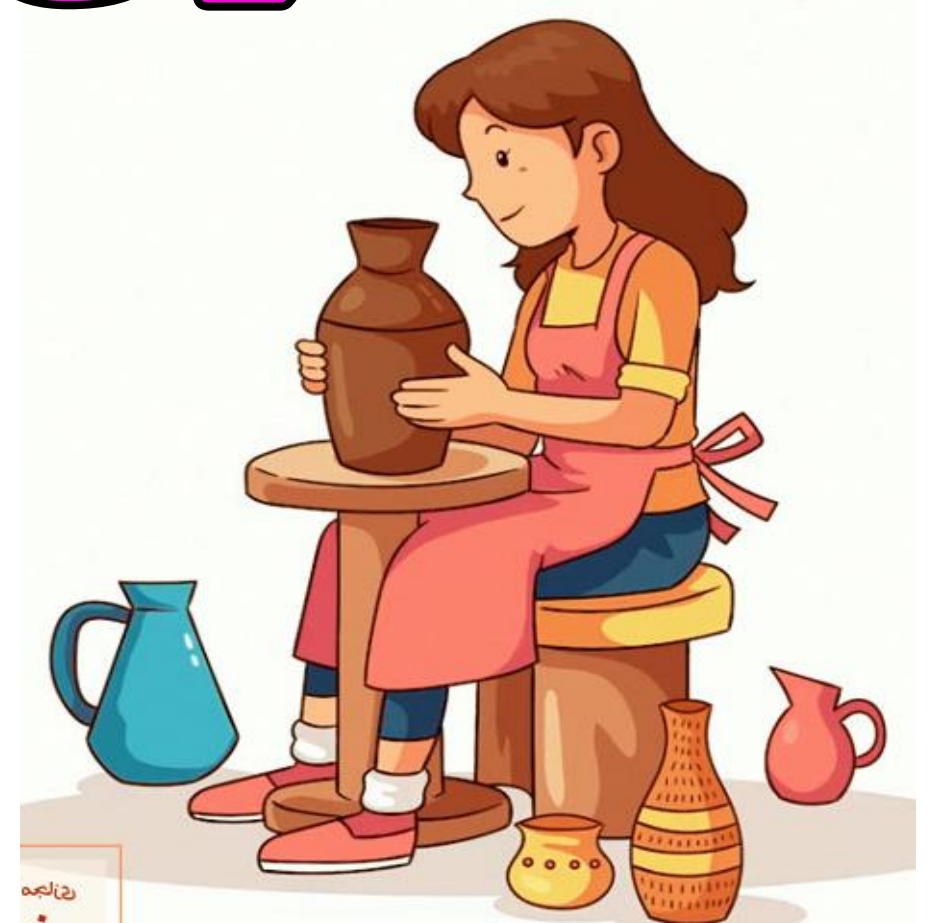
قلم مو



نقاشی



سفالگری



گل



آب

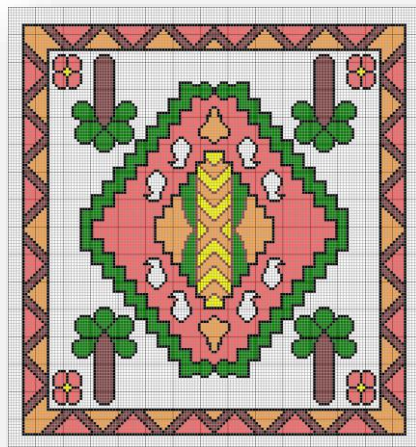


چرخ سفالگری

دار قالی



نقشه



نخ



قالی بافی



نوازنده

گیتار

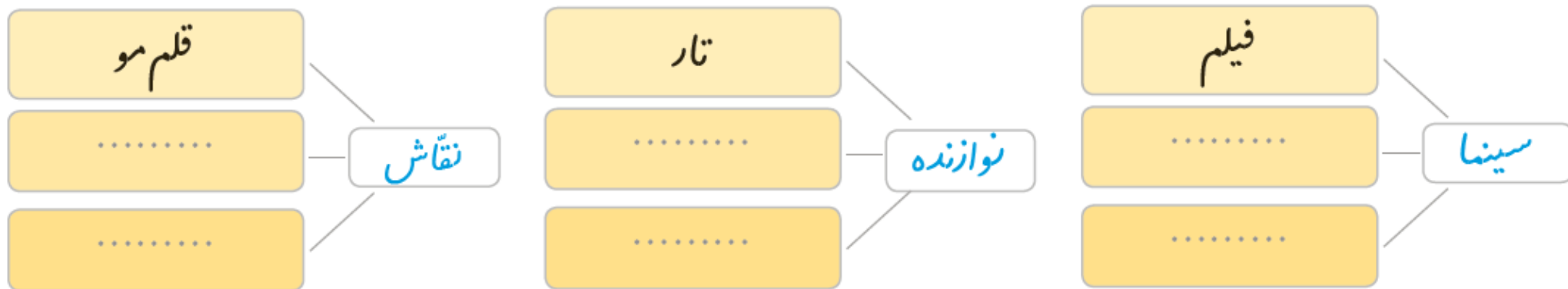
سنتور

پیانو









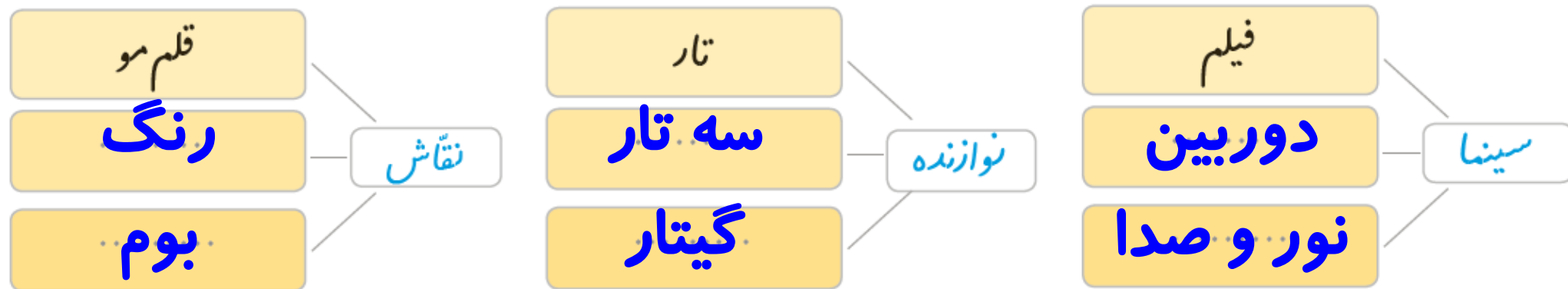
خودکار - چکش - ارّه - میخ - کاغذ - واکس - پارچه - سوزن - چرم - نخ - تخته - آجر - تیشه.

نویسندگی	بنایی	نجاری	خیاطی	کفّاشی
.....				
.....				
.....				

۳

کامل کن.

صفحه ۶۵



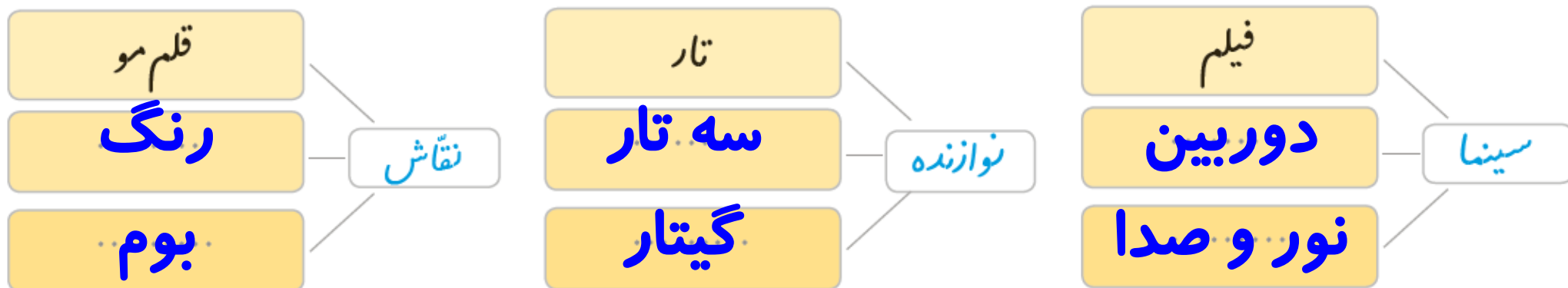
۲

هر وسیله مربوط به کدام شغل است؟

صفحه ۶۷

خودکار - چکش - ارّه - میخ - کاغذ - واکس - پارچه - سوزن - چرم - نخ - تخته - آجر - تیشه.

نویسندگی	بنایی	نجاری	خیاطی	کفّاشی
.....				
.....				
.....				



خودکار - چکش - ارّه - میخ - کاغذ - واکس - پارچه - سوزن - چرم - نخ - تخته - آجر - تیشه.

نویسندگی	بنایی	نجاری	خیاطی	کفّاشی
خودکار	آجر	ارّه	پارچه	واکس
کاغذ	تیشه	تخته	سوزن	چرم
		چکش	نخ	میخ



یک روز مادر سیما و سهیل از آن ها پرسید: شما در آینده چه کاره خواهید شد؟

سیما گفت: من پرستار **خواهم** شد.

سهیل گفت: من در آینده فضانورد **خواهم** شد و به فضا **خواهم** رفت.

سپس آن ها به مادرشان گفتند: ما برای رسیدن به آرزوهایمان درسهایمان را خوب

خواهیم خواند.



مادر به آن ها گفت: شما حتما موفق **خواهید** شد.

خواه

(خواهم - خواهی - خواهد - خواهیم - خواهید - خواهند)

بعضی کارها در **حال** انجام شدن هستند . مانند : من کتاب **می خوانم** .

بعضی کارها در **زمان آینده** انجام خواهند شد . مانند : من کتاب **خواهم خواند** .

اگر بخواهیم جمله ای را که در زمان حال یا گذشته اتفاق افتاده را به زمان

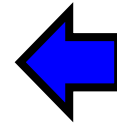
آینده تبدیل کنیم با توجه به شخصی که کار را انجام می دهد از

(خواهم-خواهی-خواهد-خواهیم-خواهید-خواهند)

استفاده می کنیم.

من نقاشی

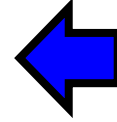
کشیدم.



من نقاشی **خواهم** کشید.

تو نقاشی

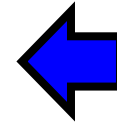
کشیدی.



تو نقاشی **خواهی** کشید.

او نقاشی

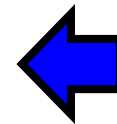
کشید.



او نقاشی **خواهد** کشید.

ما نقاشی

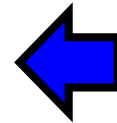
کشیدیم.



ما نقاشی **خواهیم** کشید.

شما نقاشی

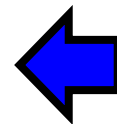
کشیدید.



شما نقاشی **خواهید** کشید.

(آنها-ایشان) نقاشی

کشیدند.



(آنها-ایشان) نقاشی **خواهند** کشید.



بیاموز و بگو

من هنرمندم.

او نقاشی می کشد.

از پدرم پرسیدم.

علی عکاس است.

من هنرمند خواهم شد.

او نقاشی خواهد کشید.

از پدرم خواهم پرسید.

علی عکاس خواهد شد.



حالا تو بگو

من می آیم.

او رفت.

پروانه نشست.

او از پدرش می پرسد.

.....

.....

.....

.....

بیاموز و بگو



من هنرمندم.

او نقاشی می کشد.

از پدرم پرسیدم.

علی عکاس است.

من هنرمند خواهم شد.

او نقاشی خواهد کشید.

از پدرم خواهم پرسید.

علی عکاس خواهد شد.

حالا تو بگو



من می آیم.

او رفت.

پروانه نشست.

او از پدرش می پرسد.

من خواهم آمد.

او خواهد رفت.

پروانه خواهد نشست.

او از پدرش خواهد پرسید.

مانند مثال کامل کن. مثال : می روم ← خواهیم رفت.

صفحه ۶۷

.....	←	می بینم
.....	←	می نویسی
.....	←	می شنوید

مانند مثال کامل کن. مثال : می روم ← خواهم رفت.

صفحه ۶۷

خواهم دید.

خواهم نوشت.

خواهم شنید.

می بینم

می نویسی

می شنوید

پیداکن و بگو



۱. کلمه‌هایی که با «گر» ساخته شده‌اند.
۲. کلمه‌هایی که در آن‌ها «ه» به کار رفته است.



پیداکن و بگو

۱. کلمه‌هایی که با «گر» ساخته شده‌اند. **سفالگر**

۲. کلمه‌هایی که در آن‌ها «ه» به کار رفته است.

هنر - هنرمند - هم - هستی - کارها



بخوان و حفظ کن

من هنرمندم

بَلَدَم شعر بگویم، بَلَدَم قصه بخوانم
بَلَدَم لانه بسازم، بَلَدَم پیش کبوتر
بَلَدَم پاک و مرتب، بزنم شانه به مویم
بَلَدَم روی لب تو، گل لبخند بکارم

بَلَدَم خستگی ات را به سلامی بتکانم
بَلَدَم شاخه گلی را بدهم هدیه به مادر
بَلَدَم آینه باشم، بَلَدَم راست بگویم
بَلَدَم مردم دنیا، همه را دوست بدارم

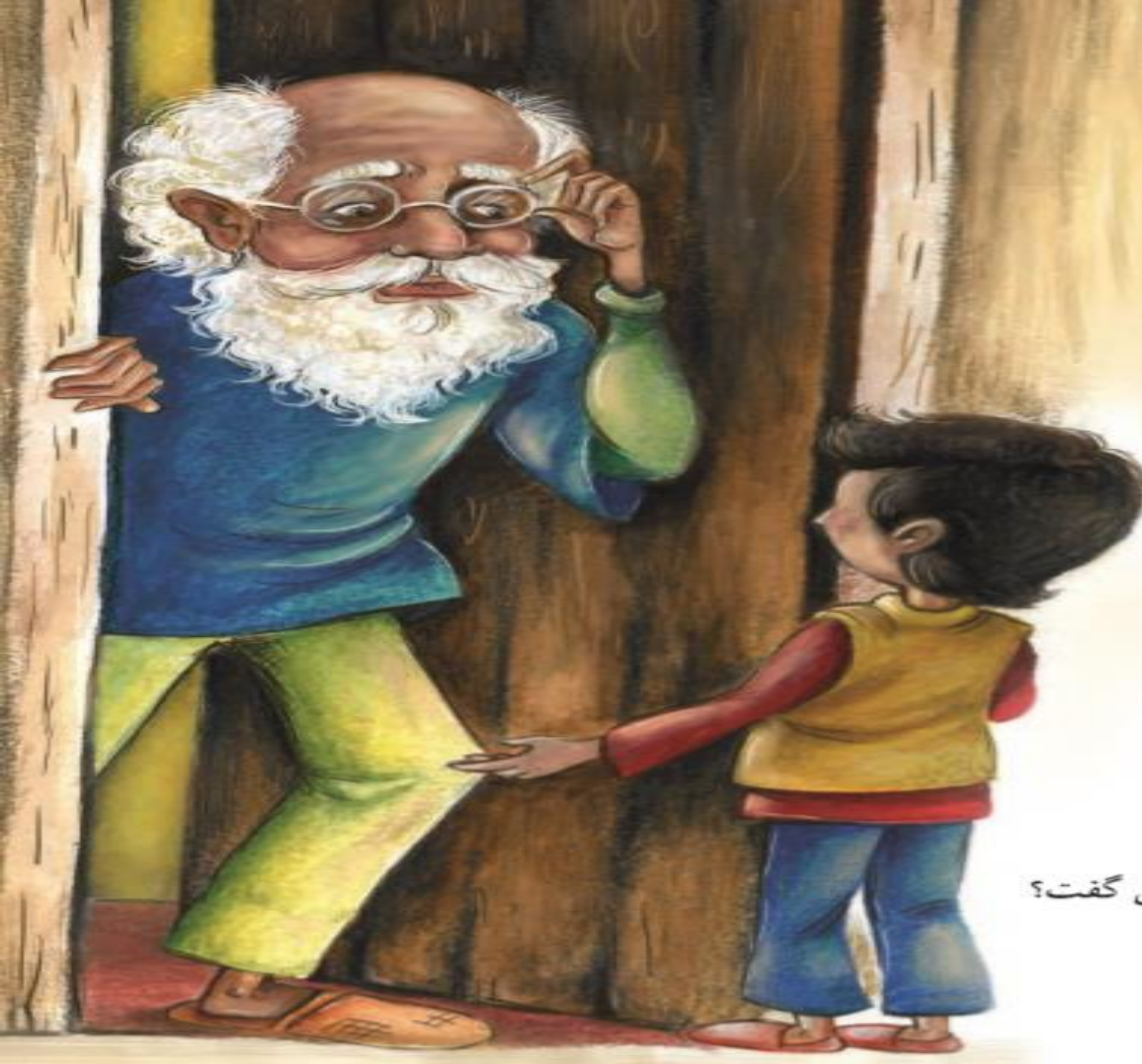
افشین علا



کودکِ زیرک

یکی از دانشمندان
می‌گوید: «روزی در اتاق
خود مشغول کتاب خواندن
بودم. شنیدم در می‌زنند؛ رفتم
و در را باز کردم؛ بچه‌ی همسایه
بود که آتش می‌خواست. آتش‌دان
را به او نشان دادم و گفتم: این آتش،
اما چگونه می‌بری؟ تو که ظرفی نداری؟
اندکی صبر کن تا ظرفی بیاورم.» آن
کودک با احترام گفت: «راضی به زحمت
شما نیستم.» نزدیک آتش‌دان رفت؛ ابتدا
کمی خاکستر سرد برداشت و سپس
مقداری آتش روی خاکستر گذاشت،
آنگاه روبه من کرد و گفت: «این طور» و
بالبی خندان خدا حافظی کرد و رفت. من
به هوش آن کودک آفرین گفتم.

* چرا دانشمند به هوش کودک آفرین گفت؟



چرا دانشمند به هوش کودک آفرین گفت؟

زیرا آن کودک توانسته بود از هوش خود خوب استفاده
کند و آتش را بدون ظرف به خانه ببرد.

